

بهار و... ده ما

سیدنورالحق صبا

نرسد قریهء دیگر بصفای ده ما
گل سراپرده زده در همه جای ده ما!

دل هر ذره پر از زمزمهء برکت و عشق
شکر صد شکر ترا ، های ! خدای ده ما!

سوسن و چلچله از بس سخن از دل گویند
بوی دل میدهد هر برگ صدای ده ما

قامت سبز سپیدار بلند لب جوی
غزل و سوسه انگیز رسای ده ما

هر غریبی که ز خمیازه بتنگ آمده است
قدحی میکشد از عطر هوای ده ما

شاخه های به سحر شستهء کاج سر کوه
پی سر سبزی ما دست دعای ده ما

قله های که قد افراشته دور و بر ده
آیت روشن عزم فقرای ده ما

آسمان از پس هر ولوله با قوس قزح
لشکری میکند آماده برای ده ما

لاله ها مثل جگر سوخته یاران حسین
بنگر خیمه زده تا بکجای ده ما

نرسد شهر تو ای دشمن آرامش گل
باهمه برق فریبده بیای ده ما

کس نیارد نگه بد به ده ما بکند
هم ز خیرات سر شیر بچه های ده ما

ده ما را تو خدایا گل رحمت بخشا
بطفیل لب خشک شهدای ده ما

[سایت : هرات آنلاین](#)